

ارزیابی پاسخهای مباحث «عروض و قافیه» آزمونهای دکتری^۱

(ص ۵۳۵-۵۲۱)

شهرام کارگر^۲

اشاره

عروض و قافیه از علوم ادبی و ابزار ارزشیابی شعر از نظرگاه فرمالیستی و مهمترین محکهای نقد موسیقایی شعر بشمار میروند. این علوم به عنوان دو واحد درسی در مقطع کارشناسی رشته ادبیات فارسی گنجانده شده، به خاطر کاربردی بودن و اهمیت زیادشان هر ساله در مقاطع و کنکورهای مختلف چندین پرسش از آنها طرح میگردد. بنابراین در پذیرش داوطلبان در آزمون سهم بسزایی دارند. با آگاهی از این مهم و بازار گرمی کتابهای کمک آموزشی، مؤسسات مختلف شتابزده، مبادرت به تهیه کتابهایی جهت راهنمایی علاقه‌مندان تحصیل مینمایند و موارد مهم و پرسش و پاسخهای آزمونهای مختلف را غیر کارشناسانه و گهگاه متناقض ارائه میکنند. این نگرش ناروشمند سبب آموزش نادرست و سردرگمی و بی‌انگیزی گروه زیادی از دانش‌پژوهان ادبیات میگردد. نگارنده با هدف آگاهسازی ادب‌پژوهان نسبت به نشر ناروشمند اینگونه آثار، برآن است تا مباحث عروض و قافیه یکی از این مجموعه‌ها را بررسی نماید و نادرستیهای آشکار و فراوان آن را با بهره‌گیری از منابعی که در راستای آزمون دکتری حائز اهمیت هستند، نشان داده و پاسخ دهد.

کلمات کلیدی

عروض، قافیه، وزن، رکن، شعر فارسی

۱. بدیهیست اظهارنظرهای ارائه شده در این نقد، صرفاً نظر نویسنده محترم آن است و لزوماً دیدگاه فصلنامه نیست.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه پیام نور جهرم (sh.kargar91@yahoo.com)

درآمد

تا آنجا که نگارنده میدانند، تا کنون نگاهی جامع، کارشناسانه به طراح‌ی و پاسخگویی به آزمونهای دکتری زبان و ادبیات فارسی بویژه مباحث عروض و قافیه صورت نگرفته است. فقط در ضمن کتابهای کمک آموزشی و پاسخهای آزمونها گهگاه گزاره‌هایی مبنی بر نادرست بودن برخی پرسشها مطرح شده است. از آنجا که پاسخگویی به پرسشهای درس عروض و قافیه در پذیرش داوطلبان سهم بسزایی دارد، بنا به اهمیت موضوع تلاش نگارنده بر این است که به عنوان نمونه پاسخهای سلیقه‌ای و نادرست عروض و قافیه آزمون ورودی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد که دکتر شاملو آن را ارائه داده است، را نشان دهد؛ تا بدین وسیله به دست اندرکاران جذب دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی و عالی رشته زبان و ادبیات فارسی، ضرورت بکارگیری گروههای کارشناس و متخصص در حوزه‌های مختلف دروس ادبیات فارسی برای طراح‌ی آزمونها و پاسخگویی به آنها با دقت بیشتری انجام شود، تا از ناروشمندی و نادرستی پاسخهای غیرکارشناسانه جلوگیری نمایند و بدین وسیله داوطلبان را از سردرگمی و بی‌انگیزی نجات دهند.

هدفها و پرسشهای تحقیق

پژوهش حاضر بر آنست، فرض نادرستی بسیاری از پاسخهای آزمونهای دکتری زبان و ادبیات فارسی را اثبات نماید. بنابراین در پی پاسخ به پرسشهای زیر است:

- ۱- آیا سازمان مشخصی که علمی و روشمند پاسخگوی پرسشهای آزمونهای تحصیلی، ادواری و استخدامی باشد، وجود دارد؟ مسلماً خیر
- ۲- نبود کارشناسان متخصص و متعهد چه تأثیری بر کارکرد علمی داوطلبان آزمونها بویژه ورودی دکتری دارد؟ بی‌انگیزی و بلا تکلیفی
- ۳- دقت علمی اکبر شاملو در پاسخ به پرسشهای ورودی دکتری ادبیات فارسی تا چه اندازه بوده است؟ شتابزده و سلیقه‌ای.

پیشینه

دانش عروض و قافیه از علوم ادبی و معروض علیه شعر است و محک درستی و نادرستی ساختاری شعر شمرده میشود. از آنجا که برای سنجش وزن و تعیین درست از نادرست، شعر را بر این فن عرضه میکنند آن را عروض نامیده‌اند. برخی خاستگاه آن را ایران، هند و یا مکه میدانند.

در دوره اسلامی خلیل بن احمد عروضی را بانی عروض میشناسند. هرچند این دانشی مرد سهم بسزایی در تغییر و تحول دانش عروض داشته است، اما این نظر که بنیانگذار عروض باشد، درست نیست چون سابقه کلام منظوم بسیار فراتر از دوره اسلامی است و در ایران قبل از اسلام شعر هجایی وجود داشته و در دربارهای ساسانیان بارید، نکیسا و ... آنها را با آواز می خوانده اند. خلیل بن احمد، ابوالحسن سعید بلخی معروف به اخفش اوسط، شاعران ایرانی که سه بحر قریب، جدید و مشاکل را بر عروض خلیل افزودند؛ نیز شمس قیس رازی و خواجه نصیر طوسی از شمار کسانی هستند که این علوم را گسترش داده اند و فراز و فرود، استثنائات، اختیارات، شیرین کاریها، مزایا و معایب آن را بیان کرده اند. (دانشنامه ادب فارسی، انوشه: صص ۶۰۸-۶۱۰ و ۶۷۷-۶۸۰)

در روزگار ما گروهی از اساتید و صاحب نظران که نام برخی از آنها در مقاله خواهد آمد، عروض و قافیه را دقیقتر و علمیتر مورد بررسی قرار داده اند.

مباحث این دانش در رشته زبان و ادبیات فارسی به عنوان دو واحد درسی دانشگاهی تدریس میشود و همه ساله در آزمونها و گزینشهای مختلف از مقطع دیپلم تا دکتری، پرسشهایی را به خود اختصاص میدهد. طی سالیانی که این آزمونها برگزار شده است، برخی مؤسسات، شتابزده و با نگاه سودآوری، مبادرت به تهیه کتابهای کمک آموزشی و مجموعه پرسش و پاسخهای کنکور-اما غیر کارشناسی و ناکارآمد- سالهای قبل مینمایند و در اختیار علاقمندان قرار میدهند. ضمن ارج نهادن به مزایا و دستمیزاد به کارکرد دست-اندرکاران اینگونه کتابهای کمک آموزشی اعم از پژوهشگران، نویسندگان و ناشران، گاهی به دلایلی که جای بحث کارشناسانه دارد، پاسخهای نادرست در این منابع وجود دارد که نه تنها برای استفاده کنندگان سودبخش نیست؛ بلکه آنها را دچار سردرگمی و ابهام میکند و فشارهای روانی مضاعفی را برای آنان به ارمغان می آورد. عروض و قافیه و سؤالات این درس که در دروس رشته ادبیات فارسی تا حدودی جنبه فرمولی و ذوقی دارد، نیز از این ضعف مستثنی نیست. این سهوا زمانی بیشتر رخ مینماید که دقت مباحث و تجزیه و تحلیل آنها را در مقاطع بالاتر مد نظر داشته باشیم. به خاطر اهمیت و سرنوشت سازی درس یاد شده در پذیرش رده های بالاتر، متقاضیان ناگزیر از فراگیری روشمند و کارشناسانه عروض و قافیه هستند. بنابراین باید نکته ها و مباحثی که برای تحصیلات تکمیلی نوشته میشوند، با نظارت سازمانها و صاحب نظران شایسته از حیثه های مختلف ارزیابی شوند. ضمن آرزوی توفیق برای همه خیراندیشان این عرصه برآنیم تا شماری از پرسش و پاسخها و مباحث عروض و قافیه آزمونهای دکتری دانشگاه آزاد را که استاد فرهیخته، دکتر اکبر شاملو، با

کمک نشر پردازش منتشر کرده‌اند، با استفاده از منابع دست اول^۱ این درس ارزیابی کنیم. ابتدا به معرفی مختصری از ایشان و اثر مورد بحث میپردازیم.

دکتر اکبر شاملو و عرصه فعالیت ایشان

دکتر شاملو با تدوین کتابهای کمک آموزشی ادبیات برای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری نام‌آشنایند و در راهیابی تعداد زیادی از علاقه‌مندان ادبیات به دانشگاه مؤثر بوده‌اند. ایشان بتنهایی کتابهای مختلف دربارهٔ نظم، نثر و کلیات مسائل ادبی تدوین کرده‌اند. نیز در سالهای اخیر پاسخ سؤالات کنکورهای سراسری و دانشگاه آزاد را در مجموعه‌های مختلف جمع‌آوری کرده، در اختیار علاقه‌مندان قرار داده‌اند. از جملهٔ این کتابها «مجموعه پرسش و پاسخ‌های آزمون ورودی دکتری تخصصی (Ph.D) زبان و ادبیات فارسی» دانشگاه آزاد سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ که نشر پردازش آن را چاپ کرده است. از اینجهت خدمات و زحمات ایشان شایستهٔ سپاسگزاری است و نگارنده نیز به نوبهٔ خود تلاشهای این دانشی‌مرد را ارج مینهد. این مجموعه ضمن محاسن زیاد در بخشهای مختلف اشتباهاتی دارد که در هر حوزه مجالی ویژه میطلبد. این مقاله بعضی از پاسخهای ایشان دربارهٔ سؤالات عروض و قافیه را بررسی مینماید. خطاهای مذکور در سه بخش عروض، قافیه و اشتباهات چاپی قابل بررسی است^۲:

عروض

در این بخش اشتباهات وزنی، تقطیع اشعار، بحر، اختیارات و دیگر ابهامات آمده است. در آغاز کلید پاسخ مجموعهٔ مورد نظر آمده، سپس با نشانهٔ پیکان، پاسخ صحیح که نظر و یافتهٔ نگارنده است، بیان میشود:

ص ۳۱، سؤال دهم: این دوبیت از استاد همایی را تقطیع نموده وزن و بحر آن را بیابید.^۳
(۱۳۷۹)

توان مباد به تن یارب آن جوانی را	که پشت می شکنند پیر ناتوانی را
ستون کعبه از آن یافت این مقام عظیم	که داد تکیه بخود پیر خسته جانی را

۱. در استفاده از منابعی که پاسخهای بدیهی یکسان و مشترک داشته‌اند، اغلب نام یکی از منابع آورده شده است.

۲. جهت دوری از اطناب سعی بر آن بوده که موارد مهمتر ایرادات و سهوهای عروض و قافیه ذکر شود وگرنه حجم مطالب حداقل دو برابر این مقاله را در بر می‌گرفت.

۳. عدد داخل پرانتز مشخص‌کنندهٔ سال سؤال مورد بحث در آزمون دکتری دانشگاه آزاد است. در شیوهٔ نوشتاری کتاب دکتر شاملو و صحت و سقم آن شیوه هم نگارنده دخیل نبوده و فقط رعایت امانت کرده است.

وزن: مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَع لِن

بحر: مجتث مَثْمَن اَصْلَم^۱ ← مجتث مَثْمَن مَخْبُون اَصْلَم^۲

ص ۵۰، ۳. این سخن عارفانه شیخ بهایی بر چه وزن و بحر عروضی ساخته شده است. معین کنید. (۱۳۸۰)

تا کی زعلائق جسمانی در چاه ظلمت تن مانی
صد ملک ز بهر تو چشم براه ای یوسف مصر برآ از چاه
بحر مضارع

← صورت تقطیع شده دو بیت فوق به شکل زیر است:

--- UU - U --- --- UU - UU ---
U --- UU - UU --- U - UU - UU - UU ---

که هر چند با اختیارات و ملاحظات و تسامحات بتوان بحر مضارع را با آن تطبیق داد، اما باز جای تأمل دارد. مؤلف محترم شایسته بود اشاره میکردند که این ابیات چگونه در بحر مضارع جای گرفته و زحافات و اختیارات آن کدام است؟! آیا منظور این بوده که به شکل فعلن (عیلن) فعلات مفاعیلن از مفاعیلن فاعلاتن (بحر مضارع) گرفته شده است و رکن اول این بحر را زحافی از مفاعیلن بینداریم؟!

نظر بنده این است که میتوان بیت را با کمترین تغییر و با اختیار تسکین و تبدیل مصوّت کوتاه به بلند (ه در چاه) در وزن مستفعل^۱ مفتعلن^۲ فَع لِن جای داد و آنرا از مزاحفات بحر رجز محسوب کرد؛ چرا که از مس تفع لِن بعد از کف، مستفعل^۱ میماند به ضم لام و آنرا مکفوف گویند که به گفته شمس قیس از ازاحیف شعر عرب است که در این بیت هم بروز کرده است. (المعجم، ۵۸) و با حذف «ف» از مستفعلن، مستعلن میماند که به جای آن مفتعلن میگذارند و آنرا مطوی میخوانند و فعلن (مستف) چون از مستفعلن خیزد آنرا احدّ خوانند. (رک المعجم: ۵۶ و ۵۷) بنابراین وزن شعر فوق میتواند در بحر رجز مسدّس مکفوف مطوی احدّ جای بگیرد.

ص ۵۱، ۶. این بیت از غزل مولانا جلال الدین مولوی در چه وزنی و بحری سروده شده است معین کنید. (۱۳۸۰)

تو سرو و گلی من سایه تو من کشته تو تو حیدر من

۱. مواردی که پس از پیکان (←) میآید پاسخ اصلاح شده سؤال میباشد و قبل از پیکان پاسخ مغلوط مؤلف است. نکته دیگر این که جهت دوری از اطناب فقط آن قسمت از جواب که دارای اشتباه و اشکال است، آورده شده است.

۲. نمونه‌های دیگر از ناقص ذکر کردن نام بحرها در جوابهای اکبر شاملو وجود دارد که در اینجا به این مورد بسنده شد.

وزن شعر: مفعول، مفاعیلن فعلن (فعولن)

← نخست آنکه نیازی نیست رکن آخر با قید اختیار به فعولن تبدیل شود. چون وزن به خودی خود روان است. ددیگر بحر بدست آمده از وزن یادشده، ذکر نشده است که با تسامح میتوان بحر «هزج مسدس اخب محذوف» را صحیح دانست. (رک عروض و قافیه، احمدنژاد، ص: ۱۸) سدیگر همان گونه که مؤلف خود نیز در صفحه ۱۲۲ کتاب به آن اشاره کرده است، وزن روانتر «فعلن فعلن فعلن» که بحر متدارک مثنی مقطوع مخبون است، نیز با بیت فوق و اوزان ضربی و دوری اشعار مولوی کاملاً سازگار است. (همچنین رک عروض فارسی، ماهیار: ۲۰۵ و عروض و قافیه، احمدنژاد: ۶۱)

علاوه بر اینها بیت مذکور از قصیده‌ایست با مطلع:

«آن دلبر من آمد بر من / زنده شد از او بام و در من» (کلیات شمس (ج ۲): ۷۸۴)

که کلّ قصیده در بحر متدارک جای گرفته است.

ص ۸۰، ۲. زحاف چشمگیر در تقطیع بیت زیر چیست:

هر که با مرد مست جنگ کند ملامت آن را رسد که هشیار است

زحاف چشم گیر، خرم است یعنی مفاعیلن ← به مفعول تبدیل می شود.

← صورت تقطیع شده بیت به شکل زیر است:

- U U - U - U - - U -

U - - - U - U - - U - U (مَ / لا / مَ / تان / را / را / سد / کِ / هشا / یا / رست)

که با حذف اولین هجای کوتاه مصراع دوم (مَ)، بیت را میتوان در بحر خفیف مسدس مخبون اصلم جای داد و زحاف چشمگیر آن در رکن اول مصراع دوم است که از اختیارات وزن شعر عرب بوده و به این بیت راه یافته و نام آن زحاف «خزم» است. شمس قیس درباره این زحاف و بیت مذکور گفته است: «خزم زیادت حرفی است یا دو کی در اول مصراع متقدّمان شعراء عرب استعمال کرده‌اند تمام معنی را، و از وزن و تقطیع ساقط داشته و بیشتر آن حروف عطف بوده است چون هل و بل و ثمّ و واو و فاء، و بعضی از شعراء عجم درین باب تقیّل بدیشان کرده‌اند.» و در یک دو بیت خزم آورده چنانکه شاعر گفته است:

هر که با مرد مست جنگ کند ملامت آنرا رسد کی هشیارست

و میم ملامت خزمست و وزن و تقطیع این مصراع چنان باشد کی لامت آنرا رسد کی هشیارست و این زشت خزمی است، چی در شعر عرب اغلب خزوم حروف زواید باشد چنانکه گفتیم، و این شخص میم ملامت را کی اصل کلمه است خزم ساخته است، و بهیچ حال محدثان شعراء عرب و عجم را نشاید کی خزم بکار دارند از بهر آنک ذوق شعر خلل میکند و طبع از آن نفرت میگیرد و این اسم از خزامة شتر گرفته‌اند و آن زیادت حلقه‌ای باشد پشمین کی در بینی شتر کنند تا مهار در وی بندند» (المعجم: ۶۵۶۴)

ص ۱۰۰، ۷. این کلام استاد ملک الشعراى بهار را تقطیع نموده و وزن و بحر آن را معین کنید. (۱۳۸۳)

در طواف شمع میگفت این سخن پروانه‌ای سوختم زین آشنایان ای خوشا بیگانه‌ای [...]

ت در گفت و ن در آشنایان از تقطیع ساقط است.

← با توجه به صورت ملفوظ شایسته است که همزه «این» را با استفاده از اختیارات زبانی در تقطیع ساقط کنیم (می/گف/تین) و ن نیز در دو واژه «این» و «آشنایان» در تقطیع با توجه به قاعده «حذف ن ساکن پس از مصوت بلند»، حذف میشود. ص ۱۳۹، ۱. «این بیت» نظیری نیشابوری به چند بحر تخریح میشود. تقطیع نموده بنویسید. (۱۳۸۵)

چه خوش است پیش زلفت در شکوه باز کردن گله‌های روز هجران همه شب دراز کردن
فعلات فاعلاتن فعلات فاعلاتن = بحر رمل مثنی مشکول

← علاوه بر این بحر، همانگونه که در ص ۵۰ کتاب هم آمده است به «متفاعلن فعولن متفاعلن فعولن» که بحر کامل مثنی موقوص مقطوع است هم تخریح میشود. (رک شناخت شعر، شاه حسینی، ص ۱۲۴)

ص ۱۴۰، ۸. این بیت از ملک الشعراى بهار را تقطیع نموده، وزن و بحر آن را معین کنید. (۱۳۸۵)

بگداخت تنم شمع صفت وین دل سوزان چون شعله فانوس به پیراهنم آویخت
← تقطیع این بیت اشتباه است. توضیح اینکه در مصراع اول واژه «شمع» و در مصراع دوم هجای «نوس» (در واژه فانوس) به هجای کوتاه (U) تقطیع شده‌اند. وزن و بحر نیز ذکر نشده که پاسخ آن چنین است:

وزن: مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن

بحر: هزج مثنی اخرج مکفوف محذوف (مقصور)

ص ۱۴۰، ۹. این سرود نیما یوشیج را تقطیع نموده و وزن آن را بیابید. (۱۳۸۵)

ققنوس مرغ خشخوان آواره جهان

آواره مانده از زوزش بادهای سرد

بر شاخ خیزران

مفعول فاعلاتن مفعول فعلن

← با صحیح نوشتن و خواندن شعر و لحاظ کردن اختیارات شاعری، وزن مفعول فاعلاتن

مفعول فاعلن (فاعلات) با آن منطبق میشود. تقطیع بیت نیز اشتباه است.^۱
ص ۱۴۳، ۳. این بیت حافظ را تقطیع نموده وزن و بحر آن را تعیین کنید.^(۱۳۸۶)

گوهر مخزن اسرار همانست که بود حقه مهر بدان مهر و نشان است که بود

← تقطیع صورت گرفته؛ ولی وزن و بحر مشخص نشده است.

وزن (با در نظر گرفتن اختیارات): فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلات.

بحر: رمل مثنی مخبون مقصور

ص ۱۴۳، ۴. وحشی بافقی این بیت را در چه وزن و بحری سروده است. بیان

دارید.^(۱۳۸۶)

ای خشک لب بادیه این سوز جگر تاب در آرزوی چشمه حیوان که داری

مفعول فاعلات و مفاعیلُ فعولن = بحر مضارع مثنی اُخرب مکفوف محذوف

← در تقطیع و نشان دادن اختیارات اشتباه شده است و لَب را به صورت U تقطیع کرده

که با اختیارات باید به صورت UU تقطیع شود. (رک آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص: ۵۸) همچنین

آرزوی به صورت U - U - تقطیع شده و اختیار زبانی آن در نظر گرفته نشده که صحیح

آن به شکل UUU میباشد. (رک آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۵۷) که وزن مفعول مفاعیل

مفاعیل فعولن و بحر هزج مثنی اُخرب مکفوف محذوف از آن بدست می‌آید.

ص ۱۴۵، ۸. این سروده منسوب به شیخ ابوسعید ابی‌الخیر در چه وزن و بحری سروده

شده است، بیان دارید.^(۱۳۸۶)

گر مرده بوم برآمده سالی بیست تو پنداری که گورم از عشق تهی است

گردست به خاک بر نهی کین جا کیست آواز آید که خال معشوقم چیست

مستفعلُ فاعلات مفاعیلن

مستفعلُ فاعلات مفعولن فع

مستفعلُ فاعلات مفعولن فع

این وزن جزو اوزان رباعی است که از قلب و از طریق ابدال دو هجای کوتاه به یک

هجای بلند، گونه‌های مختلفی از آن جدا میشود. اصل وزن رباعی به صورت مستفعل

مستفعل مستفعل فع است.

← نخست در خواندن، سپس در تقطیع اشتباه شده است. برای موزون و متناسب کردن

ابیات فوق با ریتم و موسیقی عروض و لحاظ کردن اختیارات و ملاحظات باید در مصراع

۱. البته این نمونه اشتباهات در موارد دیگر تقطیع نیز وجود داشته است که ما از بیان آنها صرف نظر کرده‌ایم.

دوم، همزه «از» را بنا به اختیارات زبانی در تقطیع حذف کرد. (رک آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۳۵ و وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، ص: ۱۲) (گو/ر/مَز = - U -) که به اشتباه به صورت (گو/رم/از = - - -) تقطیع شده. همچنین در مصراع چهارم در مورد «الف» آید، همین قاعده را باید لحاظ کرد و به صورت (آ/وا/زا/ید = - - - -) تقطیع شود که به شکل (آ/وا/زا/آ/ید = - - U - -) تقطیع شده، بدون در نظر گرفتن اختیارات و سهوهای تقطیعی دیگر، ارکان اشتباه فوق از آن استخراج شده است.

دو دیگر وزن معروف رباعی را «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» گفته‌اند که از بحر هزج می‌باشد و با دو اختیار قلب و تسکین، اوزان ۲۴ گانه رباعی از آن به دست می‌آید (رک المعجم، ص: ۱۱۵-۱۲۰، آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۶۵، عروض و قافیه، احمدنژاد، ص: ۳۱-۳۶، عروض فارسی، ماهیار، ص: ۱۴۵-۱۶۰ و شناخت شعر، شاه‌حسینی، ص: ۶۸). البته به وزن مستفعل... هم گاهی اشاره شده است (رک وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، ص: ۵۳). ولی در مجموع بحر هزج در دو شبکه‌ی اُخر و اُخرم معروف است و اختیارات را نیز بهتر در خود می‌پذیرد. سدیگر صورت تقطیعی و وزن و بحر مصراعهای فوق با در نظر گرفتن اختیارات جزئی به ترتیب به صورت زیر است:

U - - - U - U - U U - -

مفعول مفاعیل مفاعیل فاع (هزج مثنی اُخرم مقبوض ازل)

U - U U - - U - U - - - U

مفعول فاعیل مفاعیل فاعول (هزج مثنی اُخرم اشتر مکفوف اهتم)

U - - - - U - U - U U - -

مفعول مفاعیل مفاعیل فاع (هزج مثنی اُخرم مقبوض ازل)

U - - - - U - U - - - -

مفعول فاعیل مفاعیل فاع (هزج مثنی اُخرم اشتر ازل)

که همه اوزان فوق از وزنهای رباعی است و در بحر هزج قرار گرفته است. از آنجا که «شاعر مختار است به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند بیاورد [تسکین] و عکس آن صحیح نیست» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۵۴) میتوان هر چهار مصراع را با این اختیار در وزن مصراع اول و سوم یعنی مفعول مفاعیل فاع و بحر آن محدود کرد.

ص ۱۴۵، ۱۰. این بیت از استاد ملک الشعرای بهار که در مدح حضرت ختمی مرتبت گفته شده است در چه وزن و بحری است، یادآور شوید. (۱۳۸۶)

رویی که آفتاب فلک پیش نور او باشد چنانکه کتان در پیش ماهتاب

مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن: مضارع مثنی اُخرم محذوف

← در تقطیع و اختیارات اشتباه شده است. دکتر شاملو «آفتاب» را بدین شکل (U - -) تقطیع کرده که ظاهراً اختیار را به اشتباه در این موضع (ب) وارد کرده است. در صورتی که اختیار این مصراع آوردن دو هجای کوتاه «ب ف» در «آفتاب فلک» است که برابر آن در مصرع بعد در هجای بلند «تا»ی واژه «کتان» آمده است و بنابر اختیار تسکین اصل همان دو هجای کوتاه است. اشتباه دیگر در مورد واژه «کتان» است که جهت رعایت وزن باید به صورت مشدد خوانده شود (کتان = کت-تان-) و «ن» از تقطیع ساقط میشود که دکتر شاملو آن را هم اشتبهاً در تقطیع، یک هجای کوتاه محسوب کرده و وزن اشتباه مذکور را با تقطیع نادرست از آن گرفته است. اما با توضیحات فوق و لحاظ کردن اختیارات، وزن صحیح بیت مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن (فاعلات) است که در بحر مضارع مثنی‌اخر مکتوف محذوف (مقصور) جای میگیرد. (این بیت از قصیده‌ایست که مطلع آن بیت زیر است:

«ای آفتاب گردون تاری شو و متاب/کز برج دین بتافت یکی روشن آفتاب» (دیوان، بهار، ص: ۳۰) و این شاهد نیز وزن فوق را تأیید میکنند.)

قافیه

در این بخش سعی بر این است که حروف، حرکات، حدود، هجاها و عیوب قافیه مورد بررسی قرار گیرند.

ص ۵۲، ۱۴. در قافیه این بیت اگر عیبی مشهود است یادآور شوید. (۱۳۸۰)

گر شریفند و گر وضع همه کرم او بود شفیع همه

ایراد و اشکال قافیه در آن است که حرف «روی» در کلمه «وضیع» ساکن است اما در کلمه «شفیع» متحرک است و از عیوب غیرملقبه محسوب میشود.

← بعضی این اشکال را تحت عنوان غلو آورده‌اند. شمیسا میگوید: «غلو را در اکثر کتب

قدیم از «عیوب غیر ملقبه» شمرده و نامی بر آن ننهاده‌اند. به نظر من شاعران آگاهانه از آن به عنوان نوعی هنر و شیرینکاری استفاده میکردند.» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۱۲۳)

ص ۵۳، ۱۹. در این بیت چه نقصی مبینید یادآور شوید. (۱۳۸۰)

نیاید نکوکاری از بدرگان محال است دوزندگی از سگان

بدرگان ← سگان، هم قافیه شده‌اند. علامت جمع «ان» در قافیه تکرار شده و جز عیوب شایگان و یا ایطاء محسوب میشود.

← این بیت در تمرینات کتاب دکتر شاه حسینی آمده است؛ اما آن را جواب نداده است.

(شناخت شعر، شاه حسینی، ص: ۱۸۵) ولی طبق توضیحات کتاب مذکور و دیگر کتب عروض و قافیه،

صرف آوردن علامت جمع عیبی در قافیه محسوب نمیشود؛ مگر زمانی که روی متفاوت باشد. مانند: قافیه کردن «مشکلات، ممکنات و طبیبات» که به ترتیب «ل، ن، ب» روی این کلمات است. ولی در مورد قافیه بیت مذکور روی «گ» است که در دو قافیه یکی است. در ضمن مشترک بودن هجای قافیه و حروف الحاقی بعد از روی از مسلمات علم قافیه است. ص ۱۷، ۷۱. در این بیت حافظ حرکت قافیه، حرف روی، حروف بعد از روی را معین سازید. (۱۳۸۱)

ای گل تو دوش داغ صبحی کشیده ای ما آن شقایقیم که با داغ زاده‌ایم
پیر مغان ز توبه ما گر ملول شد گو باده صاف کن که به عذر ایستاده‌ایم

زاده‌ایم ← ایستاده‌ایم = کلمات قافیه هستند. هر چند «ه» بیان حرکت جز کلمه است اما الحاقی محسوب میشود. بنابراین حرف «د» «روی» است و «ه» «وصل» و به ترتیب حروف بعدی خروج و مزید ناپره هستند؛ حرکت حرف وصل و بعد از آن نفاذ میگویند. حرکت کسره — حروف «روی» را مجرا مینامند ...

← اشتباه پاسخ، غیر از موارد ویرایشی در این است که برای «ه» دو جایگاه آورده. توضیح اینکه «ه» بیان حرکت یا بدل از کسره در واقع مصوتی است که در تلفظ ایرانیان غالباً صوتی میان کسره و فتحه از آن استخراج میشود. پس نمیتواند هم صامت باشد و جایگاه وصل داشته باشد و هم حرکت کسره — بوده و مجرا نامیده شود. در اینجا این مصوت با حرف روی «د» همراه شده است و باید آن را مجرا بدانیم. همانطور که شمیسا نیز در این گونه موارد که روی را متحرک میداند، میگوید: «e حرکت روی است نه حرف وصل» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۱۱۸) که ادعایی پذیرفتنی است و بدین ترتیب سه حرف پس از «ه» وصل، خروج و مزید هستند.

ص ۱۰۲، ۱۶. در این بیت حسن سنجری دهلوی از لحاظ علم قافیه چه عیبی مبینید یادآور شوید. (۱۳۸۳)

چه فتاد کت نیفتد نظری به سوی یاران نخوری غم غریبی به طریق غمگساران
یاران و غمگساران قافیه شده اند. تکرار علامت جمع مشهود میباشد و عیب از نوع ایطای جلی است.

← این سؤال در تمرینات کتاب شاه‌حسینی آمده است. (شناخت شعر، شاه‌حسینی، ص: ۱۸۴) به دلیل یکی بودن روی (ر) قافیه شدن دو کلمه بلامانع است. (رک همین مقاله، مبحث قافیه، ص ۵۳، ۱۹)

ص ۱۴۱، ۱۵. در این بیت استاد علامه همایی حروف و حرکت قافیه را معین کنید. در ماتم من گر دل کس سوخته باشد شمعی است که بر تربتم افروخته باشد (۱۳۸۵)

«سوخته» و «افروخته»: قافیه / «خ» ردف زاید است و واو ردف اصلی است، «ت» حرف روی است و «ه» حرف وصل است.

«و» در اینجا صامت نیست که آنرا «واو» تلفظ کنیم و با تلفظ «U» مصوت است و ردف اصلی محسوب میشود. «ه» (هائ بیان حرکت) در این گونه موارد، حرکت «روی» است و مجری میباشد نه حرف وصل (رک‌آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص: ۱۱۸). چون «h» تلفظ نمیشود که صامت به شمار آورده، آن را حرف وصل بدانیم.

ص ۱۴۶، ۱۴. در این بیت حافظ حروف قافیه و حرکت آن را مشخص کنید. (۱۳۸۶)

همه کارم ز خود کامی به بدنمی کشید آخر نهران کی ماند آن رازی کزو سازند محفلها محفل: «ل» حرف روی، «ف» قید است. حرکت قبل از قید را حذو میگویند و حرکت قبل از روی ساکن را «توجیه» که آن را در اصطلاح روی مقید میگویند. (شناخت شعر، ص ۱۶۶)

«ها» الحاقی است. در این نوع طرح هجایی (CVC) حرف قید و حرکت حذو وجود ندارد. (رک‌آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، صص: ۱۳۵-۱۳۸) حرکت و حروف این قافیه از این قرار است: ل: روی، کسره قبل از ل: توجیه^۱ ه: وصل! خروج.

ص ۱۴۷، ۲۰. در این اندرز استاد عبدالعظیم قریب حرف روی و ردف و حرکت قافیه را مشخص کنید. (۱۳۸۶)

جانا به اندرز من گوش دار مگردان سر از گفت آموزگار
ت را در جهان بهتر از پند نیست به از پند دل بند بر گوی چیست
«ر» حرف روی ساکن مقید/ «ا» حرف ردف اصلی و حرکت قبل از آن حذو.
بیت دوم را توضیح نداده است. «ت» حرف روی «ی» ردف اصلی، «س» ردف زاید

اشتباهات چاپی

معضل اشتباهات چاپی که متأسفانه فصل مشترک همه نوشته‌هاست، شایسته است با نگاهی کارشناسانه و بازبینیهای دقیق نوشته‌ها، مورد بررسی قرار گیرد و جهت رفع آن در جوامع علمی و دانشگاهی اقدامی صورت پذیرد. در این مجموعه، بخشی از اشتباهات چاپی متوجه سؤالات و طراحان و چاپگران دانشگاه آزاد و قسمت عمده آن مربوط به پاسخها و دکتر شاملو و نشر پردازش است که شامل کاهش، افزایش، جابجایی و فراموشی یا از قلم-

۱. در این مورد کتاب «قافیه در شعر فارسی» توضیحات مبسوطی دارد (رک قافیه در شعر فارسی، آهی، صص: ۱۳۶-۱۴۱) که به دلیل تأخیر تاریخ نشر کتاب نسبت به اثر دکتر شاملو آن را جزء منابع نیاوردیم. همچنین ضمن مطالعه منابع دیگر، سعی نگارنده بر این بوده که از منابعی که بیشتر در راستای آزمونهای دکتری بوده است، استفاده شود.

افتادگی واج، هجا، واژه، جمله، پاراگراف و منبع مورد استفاده بوده و در کل، همه واحدهای کلام را در بر میگیرد. در اینجا برخی از اشتباهات و ابهاماتی که در چاپ پاسخهای عروض و قافیه صورت گرفته است، آورده میشود:

صفحه	شماره سؤال	غلط	صحیح
۸	۳	فعلن	فعلاتن
		(س، ب، ه، ف، ر،	(س، ه، ش، ب، ف،
۷۱	۱۸	خ، ن، غ، ز)	ر، خ، ن، غ، ز)
		دو (در تقطیع)	دُ
۸۰	۱	آنی	آن
۸۰	۵	شتاخته	شناخته
۹۹	۳	مجنون	مخبون
۱۲۲	۱۴ و ۱۷	وجه	وجهه
۱۴۱	۱۲	تغیر	تغییر
		حرک	حرکت
۱۴۵	۹	عروض	عروضی
۱۴۶	۱۲	بیت	بیست
۱۶۵	۷		
۱۶۷	۱۷		

موارد دیگری نیز وجود دارد که جای دادن آن در جدول فوق ممکن نبود. مانند:

۱. واژگونیهایی که در تقطیع ابیات صورت گرفته و اختیاراتی که در تقطیعها مشخص شده و یا به اشتباه در آن وارد شده است و چند مورد آن را قبلاً آورده‌ایم.

۲. شواهدی که با توجه به عبارات و تعریفها، نادرست و یا مبهم آمده‌اند. مثال:

ص ۷۱، ۱۹. آنچه در علم قافیه نویسنده بدان تکلم کنند را یادآور شده و با ذکر مثال

به سؤال پاسخ دهید.

یابی که از اشباع کسره حاصل میشود ← اچی... (شناخت شعر، صص ۱۴۳-۱۴۲)

← مؤلف ضمن پاسخ، به مورد فوق نیز اشاره کرده و صورت کامل مطلب را نیاورده، مایه ابهام گشته است. اما شاهد مثال فوق در کتاب دکتر شاه‌حسینی به شرح زیر آمده است:

«اطلس چه دعوی چه هین چه ترک سرمست است در لاغ اچی

(اچی را برادر بزرگ معنی کرده‌اند و نیکلسن آن را مترادف افندی و پاشا گرفته است.)
و فهم تان کردن نه حکمت ای رهی زانکه حق گفتت کلوا من رزقه»
(شناخت شعر، شاه‌حسینی، صص ۱۴۲-۱۴۳)

که واژه «رزقه» پاسخ را به خوبی روشن میکند.

۳- پاسخهایی که جا به جا آمده‌اند:

صص ۱۲۱ و ۱۲۲. پاسخ سؤال ۱۰، ۱۱ و ۱۲ با آشفتگی به جای هم و در لابلای سؤالها چاپ شده است.

نتیجه

همانگونه که در متن دیده شد، کتاب دکتر شاملو یکی از این منابع است که در مباحث مختلف از جمله عروض و قافیه ایرادهای فراوانی دارد و ما نمونه‌هایی از آن را آوردیم و البته مباحث دیگر کتاب از این معضل مستثنی نیست. پاسخهای عروض و قافیه مجموعه مورد بحث، فقط به عنوان نمونه از کل کتابهای کمک‌آموزشی ادبیات فارسی و سایر مؤسسات آموزشی انتخاب و نقد و بررسی شده است. کتاب یاد شده، علاوه بر اشتباهات چاپی و ویرایشی، در مباحث اصلی درس عروض و قافیه (وزنها، بحرها، اختیارات و توضیحات)، خطاهایی دارد که بیانگر کم‌دقتی‌های مؤلف یا ناشر در این مباحث است. رویهم رفته توضیحات ناکافی یا نامستند، ضعف بزرگی است که نه تنها پیشرفتی در روند مطالعه دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان ادبیات ایجاد نمیکند؛ بلکه ابهام و فشارهای روانی آنان را مضاعف میکند.

از آنجا که بیشتر علاقمندان و دانشجویان دوره‌های مختلف تحصیلی از اینگونه کتب به عنوان کتاب مرجع و فصل‌الخطاب استفاده میکنند، تهیه و تدوین آنها، نگاهی متعهدانه و کارشناسانه می‌طلبد که متأسفانه در بعضی از این آثار نه تنها این نگرش چندان مشهود نیست؛ بلکه بازاری و شتابزدگی و ویژگی بارز آنهاست. این امر بازبینی دقیق کتب کمک‌آموزشی و پاسخهای مؤلفان آنها به پرسشهای آزمونهای مختلف را می‌طلبد تا استفاده‌کنندگان از این آثار بتوانند اطلاعات را درست و مستند بیاموزند و به دیگران آموزش دهند. با توجه به ایرادهای وارد شده بر بیشتر کتابهای کمک‌آموزشی و سوء استفاده افراد و مؤسسات از آزمونهای ورودی دانشگاهها و سازمانها، لازم است افراد و سازمانهایی متخصص، شایسته و متعهد زیر نظر وزارت علوم یا سازمان سنجش نظارت و تدوین کتابهای کمک‌آموزشی را به عهده بگیرند تا به نشر روشمند و مبتنی بر اصول یادگیری دانشهای مختلف

کمک شود و علاقه‌مندان به تحصیل، وقتشان را بیهوده تلف نکنند و با انگیزه بیشتری در پی دانش‌اندوزی باشند.

منابع

۱. قافیه در شعر فارسی، آهی، علی، چاپ اول، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۰.
۲. عروض و قافیه، احمدنژاد، کامل و کمالی اصل، شیوا، چاپ اول، تهران: آبیژ، ۱۳۸۵.
۳. دانشنامه ادب فارسی (ج ۱)، انوشه، حسن، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی دانشنامه، ۱۳۷۵.
۴. دیوان اشعار، بهار، محمد تقی، چاپ دوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۸.
۵. مجموعه سؤال‌های آزمون ورودی دکترای تخصصی زبان و ادبیات فارسی، شاملو، اکبر، چاپ اول، تهران: پردازش، ۱۳۸۹.
۶. شناخت شعر، شاه‌حسینی، ناصر الدین، چاپ دوم، تهران: هما، ۱۳۶۸.
۷. المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی، مصحح مدرس رضوی از روی تصحیح علامه قزوینی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۳۸.
۸. آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، چاپ هجدهم، تهران: فردوس، ۱۳۸۱.
۹. عروض فارسی، ماهیار، عباس، چاپ هشتم، تهران: قطره، ۱۳۸۵.
۱۰. کلیات شمس (ج ۲)، مولوی، جلال الدین محمد، چاپ چهارم، تهران: نگاه، ۱۳۸۷.
۱۱. وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.